

مبانی اصل حسن نیت در قرارداد

مطالعه تطبیقی در حقوق افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا

سید حسن مبارز^۱

چکیده

رعایت اصل حسن نیت به عنوان تکلیف و الزام حقوقی در نظام حقوقی بسیاری از کشورهای جهان از جمله افغانستان و حقوق قراردادهای اروپا، مورد تأکید می‌باشد؛ بر این اساس، طرفین قرارداد را ملزم به رعایت اصل درستکاری و رفتار صادقانه می‌نمایند و در صورتی که ضرری به دلیل نقض این تکلیف قانونی، متوجه کسی شود، باید به جبران آن اقدام گردد؛ از سوی دیگر، شخصی که با تصور خلاف واقع و از روی اشتباه وارد معامله‌ای شده باشد، مورد حمایت قرار گرفته است؛ زیرا اصل حسن نیت، حکم می‌کند که قانون از او حمایت نماید و این حق را بدو بدهد تا اقدام به فسخ قرارداد نماید و اگر این تصور خلاف واقع ناشی از حیلت و خدعه‌های طرف دیگر باشد، جبران خسارت را بر اساس اصل حسن نیت و رفتار صادقانه، مطالبه نماید؛ اما سؤال این است که چه چیزی موجب شده است تا افراد در تعاملات شخصی و قراردادی خود، جانب چنین اصلی را ملاحظه نمایند و با توجه بدان روابط قراردادی‌شان را تکوین بخشند، به عبارت دیگر، چه نیرویی موجب الزام‌آوری اصل حسن نیت و رفتار صادقانه شده است. به بیان روشن‌تر، مبانی حسن نیت کدام است. پژوهش حاضر موضوع را با ابزار کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی به بحث گرفت. یافته تحقیق آن است که اصول مانند: اصل التزام به تعهد، اصل التزام به تعهد اخلاقی، اصل تمامیت رضای قراردادی، اصل لزوم حفظ نظم قراردادی، اصل عدالت و انصاف و اصل رعایت صداقت و پرهیز از فریبکاری، اصولی هستند که به عنوان مبنای اصل حسن نیت، مطرح می‌باشند.

کلید واژه‌ها: حسن نیت، عدالت، انصاف، اصول حقوق قراردادهای اروپا.

^۱ . دانشجوی دکتری حقوق خصوصی (mobarez_abt@yahoo.com)

مقدمه

حسن نیت به عنوان مفهوم حقوقی و اخلاقی در نظام حقوقی بسیاری از کشورهای جهان از جمله افغانستان و حقوق قراردادهای اروپا پذیرفته شده است و این دو نظام آن را هم در بعد الزامی و هم در بعد حمایتی آن مورد تأکید قرار داده اند. بر این اساس طرفین قرارداد را ملزم به رعایت اصل درستکاری و رفتار صادقانه می نمایند و در صورتی که ضرری به دلیل عدم توجه بدان متوجه کسی شود، باید به جبران آن اقدام شود و از سوی دیگر از شخصی که با تصور خلاف واقع و از روی اشتباه وارد معامله ای شده باشد، حمایت می کند؛ زیرا اصل حسن نیت حکم می کند که قانون از او حمایت نماید و این حق را بدو بدهد تا اقدام به فسخ قرارداد نماید و اگر این تصور خلاف واقع ناشی از حیل و خدعه های طرف دیگر باشد، جبران خسارت را بر اساس اصل حسن نیت و رفتار صادقانه، مطالبه نماید.

همانگونه که بیان گردید حسن به عنوان یک اصل حقوقی از سوی نظام حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا مورد شناسایی قرار گرفته است و طبق قوانین موضوعه این دو حوزه، کنشگران ساحت قراردادها ملزم به رفتار درستکارانه و پرهیز از فریب و خدعه شده اند؛ اما اینکه چه نیرو و الزام عقلانی و حقوقی دونه نظام حقوقی مزبور را واداشته است که حسن نیت را از مفهوم اخلاقی اش منتزع سازند و به آن نیروی الزام آور بدهند، پرسشی است که پژوهش حاضر در پی پاسخ گویی بدان می باشد؛ لذا موضوع مذکور را در دو گفتار به بحث گرفته است؛ در گفتار اول به مفهوم شناسی موضوع پرداخته شده است و در گفتار دوم، اصول و قواعدی که توجیه کننده تکلیف به رعایت حسن نیت در قراردادها می باشند، بحث شده اند.

گفتار اول. مفهوم شناسی

بند اول. مفهوم حسن نیت

الف. مفهوم لغوی حسن نیت

حسن نیت از دو واژه «حسن» و «نیت» تشکیل یافته است. حسن در معانی «نیکو شدن، خوب شدن، زیبا شدن» (انوری: ۱۳۸۱، ۲۵۲۸) خوبی، نیکویی و زیبایی (عمید: ۱۳۸۴، ۹۴۲) «نیت به معنای «عزم، قصد و آهنگ» (انوری: پیشین، ۲۴۳۱) آمده است برخی از فرهنگ نویسان حسن نیت را معادل خوش نیتی، پاک نیت بودن و در مقابل سوء نیت، دانسته اند (دهخدا: ۱۳۳۰، ج ۱۳، ۱۹۱۲۶).

حسن نیت، ترجمه اصطلاح «Bonne Foi» در حقوق فرانسه است که در حقوق سوئیس نیز تحت همین عنوان آمده است؛ اما در آلمان تحت اصطلاح «Treue und Glauben»، در حقوق کشورهای امریکا و انگلیس تحت عبارت «Good faith» مورد بحث واقع شده است (انصاری: ۱۳۹۱، ۶۰).

در فرهنگ عمومی عربی عناوین «حسن النیه»، «حسن القصد»، «حسن الطویه» و «سلامة النیه» بیان کننده مفهوم حسن نیت می باشند؛ بنابراین کلمات «Good faith»، «Bonne foi» و «حسن النیه» در ادبیات انگلیس، فرانسوی و عربی دارای یک معنا و حقیقت می باشند (دیلمی: ۱۳۸۵، ۴۲)؛ در فرهنگ حقوقی بلکس لا حسن نیت این گونه تعریف شده است: «۱. صداقت در اعتقاد و هدف؛ ۲. وفاداری نسبت به تکلیف و تعهد شخص؛ ۳. رعایت استانداردهای متعارف تجاری منصفانه در کسب و تجارت؛ ۴. عدم قصد فریب دادن یا تلاش جهت منافع غیر معقول» (Bryan. A Garner: ۱۳۹۱، ۷۶۲) در فرهنگ لغت وبسترز هم به معنای درستکاری و نیت مشروع، آمده است (Merriam Webster's: ۱۹۹۱، ۵۲۷).

ب. مفهوم اصطلاحی اصل حسن نیت

اکثر قریب به اتفاق نظام های حقوقی از جمله نظام حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا علی رغم تأکید بر رعایت حسن نیت در مراحل مختلف قرارداد، تعریفی از آن ارائه نکرده اند و این امر را به اندیشه وران حوزه حقوق واگذار نموده اند؛ حقوقدانان هم در مورد تعریف حسن نیت وفاق و وحدت نظر ندارند. برخی از تعاریف بیشتر، جنبه ی ذهنی و شخصی افراد را مورد توجه قرار داده است و دسته دیگر، نمود بیرونی و عینی حسن نیت را مطمح نظر قرارداده اند؛ گرچه؛ برخی هر دو بعد را مدنظر قرارداده است مانند این تعریف که بیان می دارد: «به طوری کلی حسن نیت عبارت است از قصد واقعی احتراز از تحصیل هرگونه سود نامعقول و ناعادلانه از دیگری حتی با تمسک به اصول و قواعد حقوقی و عدم علم و اطلاع از واقعیت هایی که یک معامله را گزاف و یک طرفه و تحمیلی می سازد» (شفایی: ۱۳۷۶، ۸۶)؛ اما با توجه به این دو رویکرد کلی که بر حقوقدانان حاکم است، می توان تعاریف مطرح در باب حسن نیت را در دو گروه کلی سنتی و مدرن قرارداد و به بحث گرفت.

بند دوم. مفهوم مبنا

یکی از مباحث نظری و تئوریک در عرصه حقوق، بحث از نیرویی است که عامل توجیه کننده قواعد و ضوابط نظام حقوقی می‌باشد؛ به عبارت روشن‌تر، این پرسش که چرا باید از قواعد و مقررات حقوقی تبعیت کرد در گرو طرح بحثی تحت عنوان «مبنای حقوق» می‌باشد. در مورد اصل حسن نیت هم این مسئله مطرح است؛ چه، اگر تئوری حسن نیت به عنوان یکی از اصول حقوقی در نظام‌های حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپایی پذیرفته شده باشد که براساس مطالعات انجام شده این اصل از سوی هردو نظام حقوقی مزبور مورد تأکید و تأیید می‌باشد؛ در این صورت ضروری است که عامل توجیه کننده آن شناسایی گردد؛ اما سخن در این است که مبنا به چه معنا می‌باشد و آیا مفهوم لغوی آن با معنای اصطلاحی و حقوقی آن متفاوت است؛ این‌ها سؤالاتی هستند که باید مورد بحث قرار گیرند؛ لذا این بخش پژوهش حاضر، عهده‌دار پاسخ‌گویی بدان‌ها می‌باشد.

الف. مفهوم لغوی مبنا

مبنا در لغت به معانی پایه؛ اساس و ریشه (انوری: ۱۳۸۱، ۶۶۸۱) به کار رفته است؛ بنابراین، مبنای یکی چیز به معنای پایه و بنیان آن می‌باشد.

ب. مفهوم حقوقی مبنا

مبنا در اصطلاح حقوقدانان عبارت از منبع پنهانی و نیرومندی است که خاستگاه قواعد حقوقی بوده و الزام آوری آنها را توجیه و تبیین می‌نماید (کاتوزیان: ۱۳۸۲، ۳۹ و همو: ۱۳۸۳، ۳۳). در باب حسن نیت هم می‌توان گفت، مبنای اصل حسن نیت همان نیرو و اصولی می‌باشند که لزوم پابندی و رفتار صادقانه در عرصه انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد را توجیه و تبیین می‌نمایند؛ گرچه در مورد مبانی و خاستگاه قواعد حقوقی به صورت عام و حسن نیت به طور خاص، دیدگاه‌ها و رویکردهای زیادی وجود دارد که پرداختن بدان‌ها نه موضوع پژوهش حاضر است و نه مجال بررسی همه آن‌ها می‌باشد.

گفتار دوم. مبانی اصل حسن نیت در قرارداد از منظر حقوق افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا

یکی از مباحث مهم و بنیادین در مورد اصول حقوقی به طور عام و اصل حسن نیت به صورت خاص، بررسی مبانی و نیروی‌های الزام آوری است که نظام‌های حقوقی در جهت حمایت و تضمین حاکمیت این اصول مطرح کرده‌اند. گرچه نظام حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپایی، اصل حسن نیت را به عنوان یکی از اصولی اساسی در حوزه قرارداد مورد تأکید و اهتمام قرار داده‌اند اما نسبت به عوامل توجیه کننده‌ی این

تکلیف الزامی، به صراحت نپذیرداخته‌اند. لذا بر اندیشه‌وران حقوق است که با عطف نظر به اینکه قانونگذار حکیمانه و عاقلانه، تقنین و قانونگذاری می‌کند؛ عوامل توجیه‌کننده تکالیف و الزامات حقوقی را شناسایی و تبیین و تنسیق نمایند؛ براین اساس، در ادامه به برخی از مبانی اصل حسن نیت و رفتار درستکارانه پرداخته می‌شود.

بند اول. اصل رعایت صداقت و پرهیز از فریبکاری

لزوم رعایت صداقت و پرهیز از فریبکاری، نظام‌های حقوقی مختلف را بر آن داشته است تا در مقام وضع قوانین بر این امر تأکید نمایند و در جهت حاکمیت و استیلای آن در روابط حقوقی افراد، تئوری حسن نیت را به‌عنوان اصل حقوقی، تثبیت و مطرح سازند. امروزه بسیاری از اسناد بین‌المللی و داخلی (علیزاده: ۱۳۸۴، ۱۰۹) با توجه به این دغدغه وضع شده‌اند. بر همین اساس برخی نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا، صراحتاً حاکمیت اصل مزبور بر روابط متعاملین را مطرح می‌کنند.

لذا ماده ۱: ۲۰۱: آورده است «هریک از طرفین باید مطابق با حسن نیت و رفتار منصفانه عمل نمایند. ۲. طرفین نباید این تکلیف را مستثنی یا محدود کنند.» یا قانون‌گذاری افغانستان در ماده ۵۶۸ ق.م آورده است «شخصی که در غلطی واقع گردیده، نمی‌تواند به آن طوری تمسک نماید که معارض آنچه حسن نیت مقتضای آن است باشد؛ و اگر طرف مقابل برای تنفیذ این عقد اظهار آمادگی نماید به ابرام عقد ملزم پنداشته می‌شود.» اما در برخی از نظام‌های حقوقی مانند ایران، ضمناً تئوری حسن نیت موردپذیرش واقع شده است.

بند دوم. اصل عدالت و انصاف

عدالت در نظام حقوقی افغانستان و انصاف در اصول حقوق قراردادهای اروپا از مفاهیم پرکاربرد می‌باشند؛ در مواد متعددی اصول حقوق قراردادهای اروپا از کلمه «انصاف» و مشتقات آن، استفاده شده است^۲ ازجمله در ماده

۲ - م ۴: ۱۰۷ «اگر طرف قرارداد بر اساس اظهارات خلاف واقع طرف دیگری قرارداد، چه با رفتار یا گفتارش یا عدم فشای متقلبانه هرگونه اطلاعاتی که مطابق با حسن نیت و رفتار منصفانه باید افشاء می‌شده است..... ۳. در تعین این‌که آیا لازم‌ه حسن نیت و رفتار منصفانه این است که طرف قرارداد اطلاعات خاصی را افشاء کند، باید تمام شرایط مورد توجه قرار گیرد.....» م ۴: ۱۰۹. ۲. براساس در خواست طرفی که حق فسخ قرارداد را دارد، دادگاه ممکن است اگر مقتضی و مناسب بداند، به منظور منطبق

۱: ۲۰۱ رفتار منصفانه در ردیف حسن نیت به کاررفته است. تأکید حقوق افغانستان هم قابل توجه است و این امر را در مواد متعددی قانون مطرح ساخته است؛ به طور مثال در ماده ۵۲۲ ق.م آورده است «(۱) هرگاه طرفین بر جمیع مسائل اساسی عقد موافقه نموده و تفصیل مسائل را به آینده موکول نمایند، چنین عقد تمام پنداشته می شود. مگر اینکه اتمام عقد به موافقه بر تفصیل مسائل مشروط گردیده باشد. (۲) اگر طرفین در مورد مسائلی که قبلاً موافقه بر آن حاصل نگردیده اختلاف داشت و اقامه دعوی نمایند محکمه در چنین حالت با در نظر داشت طبیعت معامله مطابق به احکام قانون، عرف و عدالت حکم می نماید» و در موارد متعددی به عدالت تکیه شده است.^۳ جایگاه عدالت در نظام های حقوقی به حدی است که برخی هدف و غایت نظام های حقوقی را تأمین و اجرای عدالت می دانند (کاتوزیان: ۱۳۸۰، ۴۴۱) و برخی هم احساس عدالت را به عنوان مبنایی عقلی نظام حقوقی برمی شمارند (وکیو: ۱۳۸۰، ترجمه: واحدی، ۲۱۷). وقت عدالت به عنوان غایت یا مبنای نظام های حقوقی مطرح باشد، حسن نیت را که یکی از نهادهای حقوقی است، می توان بر اساس لزوم رعایت عدالت، توجیه نمود؛ از سوی دیگر، می توان گفت اصل «انصاف» به عنوان مبنای تئوری «حسن نیت در قراردادها» می باشد. انصاف جز این نیست که افراد در مقام عمل سعی نکنند وجدان و قواعد اخلاقی را زیر پا گذارند؛ انصاف به عنوان ابزار تعدیل کننده خشکی های قانون (ساکت: ۱۳۸۷، ۴۰۸) می توان در جهت حل دشواری های عرصه رفتار و کنش های حقوقی به کاربرده شود.

درواقع، نیروی که همه را به عمل صادقانه و درستکاری توصیه می نماید، همانا انصاف است. اساساً حسن نیت مبتنی بر انصاف و زائده آن است و در قراردادها متضمن این معنا است که صرفاً به ظاهر و شکل قرارداد توجه و بسنده نگردد بلکه صرف نظر از فرم و شکل قرارداد، وجدان نیز در رفتارهای قراردادی، حاکم شود (انصاری: ۱۳۸۸، ۳۴). شاید این قرابت معنایی بوده است که در نظام حقوقی برخی کشورها از انصاف به عنوان عموزاده حسن نیت یاد شده است (عباسی: ۱۳۸۶، ۹۲) البته باید توجه داشت که حسن نیت و انصاف رابطه دوسویه دارد. بدین معنا که گاهی اوقات وجود رفتار منصفانه و عادلانه با حسن نیت سنجش می گردد. در همین راستا برخی شرط قراردادی را زمانی ناعادلانه می دانند که مخالف مقتضای حسن نیت باشد (Mar ana suf: ۱۹۹۷، ۵۵).

بند سوم. اصل لزوم حفظ نظم قراردادها

ساختن آنچه که مورد توافق طرفین بوده است با توسل به حسن نیت و رفتار منصفانه قرارداد را تعیدل کند» و در مواد مختلف دی گراین مفهوم به کار برده شده است.

یکی از اصول و دغدغه اساسی اندیشه‌وران حقوقی و قانون‌گذاران کشورها این است که روابط و تعاملات قراردادی اشخاص به گونه‌ی سامان یابد که از یک نوع انسجام و نظم برخوردار باشند. در این راستا، قوانین و مقررات عام و کلی وضع نمودند که همه‌ی مراحل عقود و تعهدات را پوشش می‌دهند. بدین ترتیب، از آنارشیسم قراردادی جلوگیری کردند. نظم در قراردادها از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. چه؛ اگر قرار باشد افراد در روابط قراردادی‌شان به هیچ قانون و اصلی پایبند نباشند، عقود و تعهدات نه تنها سودآور نخواهد بود که آنارشیسم اجتماعی و اقتصادی را به دنبال می‌آورد. چه؛ در این صورت آرزوی حاکمیت قانون و قانون‌گرایی که دغدغه اندیشه‌وران نامدار ساحت خردورزی و فلاسفه می‌باشد (۲۰۰۷، ۴۴۵: Richard Q. Brooks)، محقق نخواهد شد.

به نظر می‌رسد، رعایت و پایبندی به حسن نیت و رفتار صادقانه در روابط تجاری و قراردادی بهترین تضمین در جهت تحقق و تثبیت نظم قراردادی باشد، چه، هنگامی که افراد و اشخاص تعهدات و قراردادهایشان را معطوف به رعایت حسن نیت و رفتار صادقانه منعقد سازند، به‌نوعی، نظم قراردادی را ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، حسن نیت سبب می‌شود افراد بدون دلیل معقول و عقلانی دست به انحلال قرارداد نزنند و از طرح نمودن شروط مخالف حسن نیت در قراردادها امتناع نمایند. همه این امور به‌صورت غیرمستقیم نظم و استحکام قراردادها - که یکی از اصول پذیرفته‌شده و دارای اهمیت در حوزه حقوق قراردادها است (ره پیک: پیشین، ۸۴) - را در پی خواهد داشت. لزوم استحکام و نظم قراردادها عده‌ی را بدان داشته است که در مقام تمسک به حق فسخ ناشی از بروز اشتباه، شرایط ویژه‌ی را لحاظ نمایند (کاتوزیان: ۱۳۸۰، ج ۲، ۴۰۲).

قانون مدنی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا هم با در نظر داشت همین نظم قراردادی است که استفاده از حق فسخ فرد مشتبه را تنها در صورت همسازی با حسن نیت، ممکن می‌دانند؛ لذا قانون‌گذار افغانستان در ماده ۵۶۸ ق.م آورده است «شخصی که در غلطی واقع گردیده، نمی‌تواند به آن طوری تمسک نماید که معارض آنچه حسن نیت مقتضای آن است، باشد...» اصول حقوق قراردادهای اروپا در ماده ۴: ۱۰۳ بدین امر پرداخته است. با توجه به مواد قانونی دو نظام حقوقی مورد بحث، می‌توان استنباط نمود که اصل استحکام و نظم قراردادی مورد تأکید و توجه آن‌ها می‌باشد و به طرفین قرارداد و رابطه حقوقی این اجازت را نمی‌دهند که به بهانه‌ی اشتباه و تصور خلاف واقع موجب هرج و مرج روابط قراردادی شود بل همانگونه که اصل حسن نیت در صورت اشتباه می‌تواند دستاویز حمایتی مشتبه باشد در مقام تمسک بدان هم می‌تواند به عنوان مانع تعدی و تجاوزهای او عمل نماید.

بند چهارم. اصل التزام به تعهد حقوقی

یکی از اصول کلی و فراگیری که در همه نظام‌های حقوقی وجود دارد و به نوعی می‌توان گفت فلسفه و اعتبار قراردادهای منوط به رعایت و پایبندی بدان است، «اصل التزام به تعهدات» می‌باشد. این اصل به معنای لزوم وفاداری طرفین عقد به تعهدات قراردادی می‌باشد که برخی از آن به لزوم درونی در مقابل لزوم بیرون یاد کرده‌اند (ره پیک: ۱۳۸۵، ۱۲۰) بند ۱ ماده ۶۹۶ ق.م نیز بدین اصل اشارت دارد، آنجا که رجوع و تعدیل بدون توافق را بعد از نفوذ عقد ناممکن می‌داند.

بر اساس این اصل، افراد در روابط خودشان ملزم به رعایت و پایبندی تعهداتشان هستند، فرقی نمی‌کند که منشأ تعهدات قرارداد، قانون، واقعه حقوقی و یا امور دیگری باشد. در هر صورت افراد باید نسبت به تعهدات خود ملتزم شوند. با توجه به اینکه این اصل از اصول حقوقی است و اصول از ویژگی کلیت و عمومیت برخوردارند و با توجه به اینکه «اصل التزام به تعهدات» استثنانپذیر است (حیاتی: ۱۳۹۲، ۱۵۱)، می‌توان گفت یکی از مبانی التزام به حسن نیت در مراحل مختلف قرارداد و سایر عرصه‌های روابط حقوقی، «اصل التزام به تعهدات» می‌باشد. از آنجایی که این اصل بیشتر منشأ عقلایی و اخلاقی دارد، می‌تواند به عنوان مبنای اصل حسن نیت و رفتار صادقانه باشد؛ بر این اساس، یکی از مبانی تئوری حسن نیت که در نظام حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا بر لزوم پایبندی به آن تأکید شده است؛ رعایت و توجه به اصل التزام به تعهدات است.

بند پنجم. اصل التزام به تعهد اخلاقی

ارتباط قواعد حقوقی و اخلاقی به حدی وثیق و نزدیک است که به سادگی می‌توان ادعا کرد، بسیاری از قواعد حقوقی ریشه در نظامات اخلاقی دارند. این تأثیرگذاری در مراحل وضع، اجرا و قضاوت نظام حقوقی، روشن و غیرقابل تردید است. امروزه تئوری که قاعده‌ی حقوقی را محدود به دستورات آمرانه می‌کرد، مورد تردید و انکار واقع شده است. فلاسفه حقوق معتقدند قواعد حقوقی بسیار فراتر از یک مجموعه دستورات آمرانه و الزامی است بلکه بخش عظیم آن، در ذیل مجموعه نظامات اخلاقی، و جاهت الزام به خود می‌گیرند. این نحوه نگاه به تأثیرگذاری اخلاق، محدود به مکتب حقوقی فطری و طبیعی نبوده است بلکه اثبات گرایی حقوقی را نیز در برمی گیرد (مارمور: ۱۳۹۲، ترجمه: سعید عابدی و مجید نیکویی، ۱۱ و ۱۲۱).

بنابراین می‌توان ادعا کرد، مبنای رعایت حسن نیت در حوزه حقوق، همان رعایت درستکاری و رفتار صادقانه در ساحت اخلاق می‌باشد؛ روشن است که حسن نیت قبل از آنکه، ماهیت حقوقی و الزامی به خود بگیرد، در

میان قواعد اخلاقی و مذهبی وجود داشته است. کارکردهای حسن نیت در ساحت اخلاق، حقوقدانان و واضعان قوانین را بر آن داشت تا بدان جامه الزام بپوشانند (واثقی، کوزه گر: ۱۳۹۳، ۴۴) و از ماهیت توصیه‌ای صرف خارج کنند و ماهیت دوگانه اخلاقی - حقوقی ببخشند. بدین جهت ضمانت اجرا و دیگر مؤلفه‌های قاعده حقوقی را، پیدا کرد و افراد در صورت عدم رعایت و پایبندی بدان، مسئول تلقی شدند. این امر نشان از ارتباط وثیق و جدایی‌ناپذیر اخلاق و حقوق دارد. در دستورات مذهبی و اخلاقی متدینین، توصیه به حسن معاشرت و رفتار صادقانه با دیگران شده‌اند. کوتاه‌سخن اینکه اصل لازم الرعایه بودن حسن نیت در حوزه حقوق، درواقع ریشه در تعهدات اخلاقی و مذهبی دارد.

بند ششم. اصل تمامیت رضای قراردادی

بدین معنا که به‌منظور تکمیل و تمامیت رضای طرفین در جهت انعقاد قرارداد، وجود حسن نیت ضروری است. این امر را می‌توان در دو ساحت و عرصه تحلیل نمود: نخست اینکه در زمان انعقاد قرارداد طرفین باید همه اطلاعات مربوطه را ارائه نماید و از فریب و حيله در مراحل تکوین قرارداد خودداری نمایند. دوم اینکه؛ اصل تمامیت رضای طرفین معامله اقتضاء می‌کند که سعی نشود از وضعیت و ضعف طرف مقابل سوءاستفاده شود و خواسته‌های ناعادلانه به او تحمیل گردد. حقوق مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در راستای تحقق و پاسداشت همین اصل در ماده ۴۷۷ آورده است «هرگاه از احتیاج یا عدم تجربه و یا ضعف ادراک یکی از متعاقدين سوءاستفاده به‌عمل آمده و به اثر آن غبن فاحش در عقد موجود گردد، شخص فریب‌خورده می‌تواند در خلال مدت یک سال از تاریخ انعقاد عقد، بطلان عقد یا تنقیص و جاب خود را به‌اندازه معقول مطالبه نماید». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نظام حقوقی افغانستان با حمایت از اصل تمامیت رضای قراردادی و با تمسک به عدم وجود حسن نیت، مطالبه بطلان و تنقیص وظایف را پیش‌بینی نموده است. ضرورت حمایت از اصل تمامیت رضای متعاقدين، قانون‌گذار بسیاری از کشورها به‌ویژه جمهوری اسلامی افغانستان را بر آن داشته است که در موارد مخدوش شدن این اصل با لحاظ شرایطی، حق فسخ را شناسایی نمایند. تدوین‌کنندگان اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز مواد متعددی^۴ را در جهت تأمین این اصل اساسی و بنیادین، وضع نموده‌اند.

۴ - ۱۰۶: «طرفی که قرارداد را با تکیه به اطلاعات نادرستی که از سوی طرف مقابل ارائه شده است منعقد کرده باشد در این صورت او می‌تواند بر اساس ماده بند ۲ و ۳ ماده ۱۱۷: ۴ می‌تواند فسخ نماید حتی اگر آن اطلاعات منجر به اشتباه اساسی بر اساس ماده ۱۰۳: ۴ نشده باشد مگر اینکه دهنده اطلاعات دلیل برای اثبات صحت اطلاعات داشته باشد» و مواد ۱۰۷: ۴، ۱۰۸: ۴ نیز به نوعی اشارت به لزوم رعایت اصل تمامیت رضای قراردادی می‌باشد.

بنابراین یکی از مبانی لزوم رعایت حسن نیت در تمام مراحل قراردادها، اصل حمایت از تمامیت رضای قراردادی هست که خود از یکسو، تضمینی جهت استحکام تعهدات و قراردادها می باشد و از سوی دیگر، مانعی در مقابل کسانی می باشد که با سوءاستفاده از وضعیت ها و شرایط نامتعادل، سعی بر تحمیل خواسته های نامشروع و ناعادلانه خودشان بر طرف مقابل دارند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان می دهد، اصل حسن نیت که ریشه در آموزه های اخلاقی دارد عرصه های مختلف حقوق را پوشش می دهد و از سوی نظام حقوقی افغانستان و اصول حقوق قراردادهای اروپا به عنوان یک الزام حقوقی، معرفی شده است؛ لذا همه کنشگران حقوق به صورت عام و حقوق قراردادهای به صورت خاص، ملزم به رعایت و پایبندی بدان می باشند؛ این اصل که ماهیت حقوقی و الزامی به خود گرفته است با عوامل چون نظم قراردادی، اصل عدالت و انصاف، اصل صداقت و درستکاری، اصل تمامیت رضای قراردادی توجیه می گردد. تتبع در قوانین موضوعه افغانستان، اصول حقوق قراردادهای اروپا و برخی منابع نگاشته در زمینه اصل حسن نیت، نشان از آن دارد که هردو نظام حقوقی نسبت به اینکه اصول مزبور، نیروی های توجیه کننده اصل حسن نیت می باشند، وفاق نظر دارند؛ گرچه، در نحوه بیان این اصول رویه واحدی بر دو نظام حاکم نمی باشد؛ چه، برخی از اصول مانند: اصل التزام به تعهدات، اصل عدالت و اصل نظم قراردادی به صورت واضح در دو نظام حقوقی مورد بحث، مطرح شده اند؛ اما نسبت به بیان برخی اصول دیگر مانند: اصل انصاف، دو نظام حقوقی مزبور دارای ادبیات واحدی نمی باشند؛ چه، اصول حقوق قراردادهای اروپا، پایبندی به اصل انصاف را به صراحت بیان کرده است؛ اما نظام حقوقی افغانستان نسبت بدان تصریحی ندارد ولی باتوجه به روح و اصول حاکم بر این نظام حقوقی، می توان پایبندی به آن را اثبات نمود که می طلبد قانونگذار محترم نسبت رفع این قبیل نقایص، اقدام نماید.

منابع

۱. انصاری، علی، *تئوری حسن نیت در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظامهای حقوقی معاصر*، تهران، انتشارات جنگل، چ دوم، ۱۳۹۱.
۲.، معنا و مفهوم حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، مدرس علوم انسانی، ش ۶۳، ۱۳۸۸.
۳. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۳، تهران، انتشارات سخن، چ اول، ۱۳۸۱.
۴.، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۷، تهران، انتشارات سخن، چ اول، ۱۳۸۱.
۵. حیاتی، علی عباس، *قواعد عمومی قراردادهای میزان*، تهران، چ اول، ۱۳۹۲.
۶. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، ج ۶، تهران، شرکت چاپ افست گلشن، ۱۳۳۰.
۷.، *لغتنامه دهخدا*، ج ۱۳، تهران، شرکت چاپ افست گلشن، ۱۳۳۰.
۸. دیلمی، احمد، *حسن نیت در مسئولیت مدنی*، تهران، نشر می‌زان، چ اول، ۱۳۸۹.
۹. ره‌پیک، حسن، *حقوق مدنی، حقوق قراردادهای تهران*، خرسندی، چ اول، ۱۳۸۵.
۱۰.، *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*، تهران، خرسندی، چ بی‌ستم، ۱۳۹۱.
۱۱. ساکت، محمد حسینی، *حقوق شناسی*، تهران، نشر ثالث، چ اول، ۱۳۸۷.
۱۲. شفای‌بی، محمدرضا، *بررسی تطبیقی نظریه تغیری اوضاع و احوال در قراردادهای تهران*، انتشارات ققنوس، چ اول، ۱۳۷۶.
۱۳. عباسی، اسماعیل، *معنا و مفهوم حسن نیت در قراردادهای تحقیقات حقوقی آزاد*، ش ۲، تابستان و زمستان ۱۳۸۶.
۱۴. علی‌زاده، مهدی، *مبانی اصل حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادهای مجله الهیات و حقوق*، ش ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۱۵. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، چ ۱۰، ۱۳۸۴.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادهای*، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ سوم، ۱۳۸۰.
۱۷.، *فلسفه حقوق*، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ دوم، ۱۳۸۰.
۱۸.، *مقدمه علم حقوق*، تهران، سهامی انتشار، چ چهل و دوم، ۱۳۸۳.

۱۹. مارمور، آندره، **فلسفه حقوق**، ترجمه: سید عابدی، مجید نیکویی، تهران، نگاه معاصر، چ اول، ۱۳۹۲.

۲۰. واثقی، محسن، کوزه گر، حسن، **حسن نیت در تفسیر معاهدات بین المللی**، تهران، مجد، چ اول، ۱۳۹۳.

۲۱. وکیو، دل. **فلسفه حقوق**، ترجمه، جواد واحدی، تهران، می‌زان، چ اول، ۱۳۸۰.

۲۲. اصول حقوق قراردادهای اروپا (۲۰۰۵)

۲۳. قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵)

۲۴. Bryan A Garner, **Black's Law dictionary**, تهران، انتشارات خرسندی، چ اول، ۱۳۹۰

۲۵. Merriam Websters, **Websters Ninth New Collegiate Dictionary**, 1991.

۲۶. Mranah suf, **Essential contract law**, London. Sydney, Cavendish publishing limited, second edition, 1997

۲۷. Richard O. Brooks, **Plato and Modern Law**, Ashgate Publishing Company, 2007.